

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون در آستانه ماه محرم - 2 / اردیبهشت / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم
خداوند متعال را سپاسگزارم که یک بار دیگر به مناسبت قرار گرفتن در آستانه ماه عزیز و عظیم محرم، ماه غلبه خون بر شمشیر، ماه حیات دوباره اسلام و ماه سیدالشهداء علیه السلام، توفیق دیدار با شما آقایان علما، وعاظ، خطبا و فضایی محترم را پیدا کردم.
جلسه بسیار خوبی است. معنوی و روحانی و مزین به نشانه ها و نمودارهای معنویت و روحانیت است و امیدواریم خداوند توفیق دهد از این جلسه - از این گفتنها، شنیدنها، نشستنها و برخاستنها - ان شاءالله سودی عاید اسلام و مسلمین شود.

مسأله تبلیغ، یکی از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است و مخصوص یک دوره نیست. تبلیغ که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان»، «تبیین» و از این قبیل تعبیر شده است، یکی از وظایف مقدس، وظیفه انبیا، وظیفه علما، وظیفه متفکران و دانایان و مصلحان است. تبلیغ، یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن آن حقایقی به اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد. این است که ارزش تبلیغ را بالا می‌برد. تبلیغ، یک جنبه انسانی دارد. تبلیغی که اسلام به آن امر می‌کند و علمای اسلام و روحانیت شیعه، در طول تاریخ به آن پایبند بوده اند، وظیفه ای است که هم جنبه الهی دارد - «لتبیینه للثاس و لاتکتّمونه» - هم جنبه انسانی دارد؛ چون دستگیری از دلها و ذهنها و انسانهایی است که دچار عدم علم، دچار شک و دچار جهالتند. به این وظیفه، باید با این چشم نگاه کرد.

بحمدالله روحانیت اسلام در طول این چند قرن اخیر، پایبند به این مسأله بوده و نگذاشته است که مشعل فروزان تبلیغ دین و اخلاق و معنویات خاموش گردد. قبل از پیروزی انقلاب، نقش عظیمی که تبلیغ ایفا کرد، برای کسانی که مطلعند، کاملاً بارز و روشن است. بعد از پیروزی انقلاب، هنگامی که دشمنان با طرق مختلفی تلاش می‌کردند جامعه را دچار رکود و اختلاف و تشنج کنند، نقش مبلغین دینی در شهرها، روستاها، مراکز عمده کشور و در منبرهای مختلف، نقشی تعیین کننده و بسیار مهم بود.

امروز هم تبلیغ، دارای همان نقش عظیم است. مبدا کسی این طور تصور کند که با بودن رادیو و تلویزیون و ویدئو و این وسایل امروزی، دیگر منبر چه نقشی دارد؟ تبلیغ دین چه نقشی دارد؟ نه؛ آن تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس - روبه رو، با گزینش مخاطبین، با انتخاب مطلب لازم - در ذهن مخاطبین می‌گذارد، به کلی با هر نوع تبلیغ دیگر متفاوت است. این، نوع تبلیغی است که برکات الهی با آن هست؛ آثار مواجهه انسانی در آن هست. بسیار مهم است.

من این جا درصدد نیستم که اهمیت تبلیغ دین را برای شما بیان کنم؛ چون علی الظاهر این معنا برای شما روشن است و بر این معنا عازم هستید؛ لذا از این مقوله می‌گذریم. اجمالاً عرض می‌کنیم که تبلیغ دین به شکل سنتی، یعنی همین حضور روحانی در جمعهای مختلف مردم و استفاده از منبر دین و تبلیغ، یکی از مهمترین ابزارها و نعمی است که خدای متعال در اختیار شما قرار داده است. برای خدا و در راه خدا، باید حداکثر و بهترین استفاده را از آن بکنید.

آنچه من امروز می‌خواهم عرض کنم، تذکر مطلبی درباره چگونگی این تبلیغ است؛ بخصوص در برهه حاضر زمان و دوران کنونی انقلاب ما. آن نکته این است که در تبلیغ، باید دو چیز را با حداکثر اهتمام، مورد توجه قرار داد: یکی گزینش مخاطب و یکی گزینش محتوای آن.

مخاطب، ممکن است قشرهای مختلفی از مردم باشند. وقتی که انسان در جمعی مشغول صحبت می‌شود، اگر بداند که مخاطب او کیست و مخاطب خود را انتخاب کند و آن مخاطب را مورد نظر قرار دهد، طبعاً محتوا را هم به تبع انتخاب مخاطب، به تناسب نیاز او انتخاب خواهد کرد. پس این دو، مرتبط و متصل به یکدیگر است.

در مورد انتخاب مخاطب، من می خواهم عرض کنم شاید لازم است که امروز، اکثریت نزدیک به همه مخاطبان منبرهای تبلیغی ما، جوانان باشند - نسل جوان - به چند دلیل:

اولاً چون امروز جوانان در کشور ما اکثریتند. جوانان در بعضی از کشورها اقلیتند، ولی در کشور ما، به دلایل مشخصی که هست، امروز جوانان اکثریتند؛ یعنی بیش از دو سوم مردم ما جوانانند. خود شما هم جوانید؛ اکثر جزو همین نسل هستید. پس بیشتر از همه آنها را باید مخاطب قرار داد. این یک.

دوم این که دشمنان این کشور، دشمنان این انقلاب و دشمنان دین، با توجه به همین حقیقت، مدتهاست که برای مخاطبین جوان برنامه ریزی می کنند. ممکن است ما غفلت کرده باشیم؛ اما دشمن ما غفلت نکرده است! سعی دارند به وسیله رادیوها، جزوه ها، ابزارها و روشهایی که متناسب با طبیعت جوان و شهوات قشرهایی از جوانان هم هست، دلها و فکرهاي آنها را متوجه و تسخیر کنند و در آنها اعمال نفوذ نمایند. این هم دلیل دیگری است که باید توجه بیشتر شما به جوانان باشد.

دلیل سوم این است که جوان، آسان پذیر و زودپذیر است؛ چون دل او نورانی است. هنوز آلودگی در دلهاي جوانان به قدر افرادی از قبیل بنده که سنی از آنها گذشته است، نیست و سخت پذیر نشده اند. نورانی هستند؛ می توانند به راحتی حقیقت را درک کنند و بیایند و آن را بشنوند و بپذیرند. این هم دلیل دیگری برای گزینش این قشر است. پس، از اول که شما به فکر تبلیغ هستید و می خواهید مطالبی را برای بیان دین و اخلاق و هر آنچه باید گفته شود، انتخاب کنید، هدف را مخاطبه با جوانان قرار دهید. این، نوع محتوا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

امروز کدام محتوا مهم است؟ ما باید چه چیزی را در منبر تبلیغ، برای مردم بیان کنیم؟ می توان در یک کلمه گفت: مباحثی که عقاید دینی آنها را مستحکم و راسخ کند؛ لیکن همین جمله، قابل تفسیر و تبیین است. بعضی از عقاید دچار تزلزل و اضطراب نیست. آن کس که می خواهد مخاطب خود را هدایت کند، ابتدا باید ببیند آن بخش جهالت او و آن بخش آسیب پذیر ذهن او، کجاست. باید آن امواجی را که بر روی ذهن مخاطبین شما تلاش و کار می کند تا تخریب نماید، بشناسید، تا بدانید جوان، چه چیزی را احتیاج دارد که به او بگویید. طوری نباشد که دهها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به جای پاسخگویی به آن سؤالا و استفهامها، یک مطلب دیگر را که اصلاً برای او مورد سؤال نیست، مطرح کنیم.

این مطلبی که عرض می کنم، مربوط به ماه محرم امسال و جمع حاضر نیست؛ این باید اساس کار تبلیغ ما باشد. اگر در دانشگاهها تبلیغ می کنیم؛ اگر در نیروهای مسلح یا در قشرها و جوامع مختلف تبلیغ می کنیم - در هر جا که با مخاطبین خودمان مواجه هستیم - اول باید بدانیم که آن سؤال و استفهامی که در ذهن جوان است، چیست. البته مواردی هم پیش می آید که سؤال و استفهامی که در ذهن اوست، اهمیت کمی دارد و شما ترجیح می دهید چیز مهمتری رابه او بگویید. البته باید همین طور عمل کنید؛ لیکن امروز که شبهات، سؤالا و استفهامهای گوناگون را به فکر قشرهای مختلف - علی الخصوص جوانان - تزریق می کنند، مبلغ دین بایستی آن شبهه را، آن موج مخرب و مفسد و مضر را بشناسد تا بداند که می خواهد علاج چه دردی را بکند و کدام خلأ را می خواهد پر کند.

یک نکته اساسی دیگر این است که امروز علاوه بر این که باید به مسائل اعتقادی اسلام پرداخت و اعتقاد به اسلام را در ذهنها و دلها راسخ نمود، باید اعتقاد به حاکمیت اسلام را هم راسخ کرد. این مطلب واضح است. این امری است که مسلمانان عالم در طول قرنهای متمادی و بخصوص متفکرین بزرگ در قرن اخیر - از سید جمال اسدآبادی تا اقبال لاهوری، تا بزرگان فکر و اندیشه، تا علمای بزرگی در داخل کشور خود ما - دنبال آن بوده اند که دین خدا را حاکم کنند و این ادامه راه پیغمبران بوده است. امروز دستها، زبانها، نوشته ها و امواج تبلیغاتی، در این امر واضح ایجاد خدشه و درباره آن، سؤال ایجاد می کنند. بایستی این را در ذهنها مستحکم کنید. باید بدانند که حاکمیت اسلام، یعنی حاکمیت عدل و علم و انصاف بر مجموعه انسانها. حاکمیتی که می تواند هم جسم انسانها، هم دل انسانها، هم عواطف، اخلاق و زندگی واقعی و زندگی معنوی آنها و هم دنیا و آخرتشان را آباد کند. حاکمیت دین یعنی این.

حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است؛ که «اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث والنسل».

حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیاست - نه فقط دین - کمالین که در گذشته کشور خودمان از نزدیک شاهد بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند. حاکمیت خدا، یعنی نجات و سعادت انسانها. حاکمیت دین خدا، یعنی پاسخگویی به نیازهای اساسی انسانها. هر نیازی که انسانها دارند - نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و همه و همه - در ظل حاکمیت دین خدا تأمین می شود.

بایستی اینها را برای مردم، بخصوص برای جوانان تبیین کنید. اگرچه ملت ما بحمدالله این بخش مسأله را از بن دندان معتقدند، آن را پذیرفته اند، با همه وجود از آن دفاع کردند و در هشت سال دفاع مقدس، خونهایشان را در حاکمیت دین خدا دادند و امروز هم همان طور است؛ لیکن نباید از کید دشمن غافل شد. نباید از تلاش دشمن غافل شد. آنها کار می کنند، برای این که در درازمدت، بهره آن را ببرند؛ استفاده آن را بکنند. از جمله چیزهایی که بخصوص در رابطه با جوانان، لازم است به آنها گفته شود و آنها به آن هدایت شوند، سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقل، اخلاق اسلامی، حلم، اجتناب از شتابزدگی و عجله در امور، اجتناب از تندخویی و اعمال خشونت است. در محیط اسلامی آن وقتی می شود حقایق را به اعماق دلها نفوذ داد که زبان لین، رفتار اندیشمندانه و عاقلانه در میان باشد و حلم وجود داشته باشد.

حلم، عبارت است از همان ظرفیت داشتن - به اصطلاح عمومی مردم - جنبه داشتن و در قضایای گوناگون، آتشی نشدن؛ در وقت اعمال غضب، غضب را اعمال کردن، که هر انسان عاقلی هم در جنگها و در برخورد با دشمنان، اعمال می کند. اما در زندگی روزمره، مبنای کار جامعه اسلامی بر تأمل، تدبیر، اندیشیدن، جوانب را دیدن، عاقلانه و منصفانه با قضایا مواجه شدن و شتابزده نبودن در داوری است.

اینها را به جوانان تعلیم دهید. جوانان را جوانان پرداخته و ساخته امت اسلام و اخلاق اسلامی بار آورید. اینها لازم است. از جمله نکاتی که باید به مردم - بخصوص به جوانان - بگویید، نعمت بزرگی است که خدای متعال به وسیله رهبر عظیم الشان و عظیم القدر و کم نظیر و حرکت عظیم ملت ایران در این انقلاب عظیم به ما داد. جوانان امروز، قبل از این انقلاب را ندیدند، با آن آشنا نیستند و نمی دانند در این مملکت چه بود و چه ذلتی بر ملت ایران حاکم بود! در پنجاه سال آخر قبل از انقلاب، دو نفر در این مملکت حکومت کردند - پدر و پسر - که هر دو را بیگانگان بر سر کار آوردند. رضاخان را انگلیسیها از میان فوج قزاق پیدا کردند - به یک قلدر بی باک و بی محابا احتیاج داشتند - آوردند و دست او سلاح دادند! دست، پشتش زدند، او را آوردند تا به مقام سلطنت رساندند، بعد مقاصد خودشان را به وسیله او اعمال کردند! آن کاری را که می خواستند در این مملکت بکنند به وسیله او کردند. آن ضربه ای را که می خواستند به دین، به روحانیت، به سنتهای قدیمی و ملی این کشور و به پایه های دینی و اعتقادی این کشور بزنند، به وسیله او زدند. چون آدم بی باک و گستاخی بود، به درد آنها می خورد! انگلیسیها مدتها - از قبل از مشروطیت - دنبال وسیله نفوذی در این کشور می گشتند؛ اما نمی شد. بیشتر هم علما مانع نفوذ بودند. این آدم، آدمی بود که می دانستند در برخورد با علما، گستاخ و بی باک است. او را بر سر کار آوردند و هر کار خواستند، به وسیله او انجام دادند! بعد هم چون دیدند که از لحاظ سیاسی به سمت دیگری گرایش پیدا می کند، او را برداشتند و پسرش را جایش گذاشتند!

برای یک ملت - برای ملت ایران - هیچ ننگی بالاتر از این نیست که حکام، فرمانروایان، سیاستمداران و سررشته داران امور کشور را دولت انگلیس به وسیله سفارتخانه خود بیاورد و ببرد! کدام ننگ برای یک ملت، از این بالاتر است؟! خاطراتی را که از عناصر دوران پهلوی نوشته اند، بخوانید! بعد از آن که در سال 1320 رضاخان را بردند، پسر او محمدرضا تا چند روز نمی دانست که آیا پادشاه خواهد بود یا نه! کسی را به سفارت انگلیس فرستاد، آنها گفتند که بله، عیبی ندارد، پادشاه باشد، به شرطی که فلان کار را نکند و فلان کار را نکند! خوشحال شد. اینها حقایق این کشور است.

پنجاه سال حکومت ایران که حکومت دیکتاتوری، سلطنتی، طاغوتی، فاسد و آن چنانی بود، به وسیله دو نفری انجام گرفت که آنها را بیگانگان بر سر کار آوردند و مردم هیچ نقشی نداشتند. قبل از آن هم که حکومت قاجار و حکومت

سلاطین بود. شرح حال این سلاطین را ببینید! مردم که هیچ، مردم که اصلاً برای آنها قابل ذکر نبودند! عمال دولت را از صدر اعظم تا پایین، نوکران خودشان می دانستند و به آنها می گفتند شما در بین نوکران ما چنین هستید، چنان هستید! چنین حکومتهایی بر این کشور حاکم بوده اند!

این برای اولین بار در طول قرون متمادی است که به برکت انقلاب در این کشور، حکومتهایی سر کار می آیند که ملاک مسؤولان حکومتها، علم، تقوا، عدالت، مردم دوستی و گزینش مردم است. با مردمند؛ برای مردم و در خدمت مردمند؛ اهل سوء استفاده، دزدی و سرسپردگی به دشمن نیستند. این حقایق در تاریخ طولانی ایران، قرنهای سابقه نداشته است. اینها را اسلام و انقلاب به این ملت داد. اینها را باید برای نسل جوان تشریح کنید؛ بدانند کشور ایران چه بود و چه شد! از کجا به کجا آمد! امروز تفاله های همان رژیمهای وابسته فاسد ذلیل توسری خورده حقیر، در دامن همان اربابهایی که آن روز به ایشان پول می دادند، نشسته اند! امروز هم به ایشان پول می دهند، میکروفون دستشان می دهند، با ایشان مصاحبه می کنند، پخش می کنند، رادیو و روزنامه درست می کنند؛ آن وقت به فلان نقطه جمهوری اسلامی - یک گوشه از نظام عظیم و دستگاه عریض و طویل حکومت اسلامی - اشکالی را وارد می کنند و آن را بزرگ و در رادیوهایشان پخش می کنند! باید جوانان اینها را بدانند؛ اینها نکات مهمی است. امروز تبلیغ دین و تبیین حقایق، بایستی این چیزها را هم در برگیرد و شامل این چیزها هم بشود. از جمله چیزهای مهمی که بایستی در تبلیغات، مردم را به آن توجه دهید، مسأله وحدت و اتفاق و اتحاد ملت است.

عزیزان من! امروز وقتی که من به امواج تبلیغاتی دشمنان نگاه می کنم و نیز به آنچه که به تبع آنها بعضی از انسانهای غافل یا مغرض و بددل ترویج می کنند، همین خط اختلاف، خط ایجاد تشنج و ایجاد درگیری آحاد مردم و بزرگ کردن چیزهای کوچک است. مبدا در منابر عمومی، در آن جایی که بایستی دین و اخلاق تبلیغ شود، مسائل اختلافی را مطرح و اختلافها را بزرگ کنید! دشمن سعی می کند اختلافات کوچک را بزرگ جلوه دهد. از اول انقلاب، این طور بوده است و فقط امروز نیست. از اول انقلاب، از قبل از جنگ، حتی در دوران جنگ با حضور امام بزرگوار، همیشه این طور بوده است. سعی می کردند چیز کوچکی را به عنوان سندی بر وجود اختلاف و شکاف، با شیوه های روانشناسانه تبلیغی، آن چنان بزرگ جلوه دهند که هر کس گوش می کند خیال کند که در کشور، غوغایی از زد و خورد و اختناق است؛ در حالی که چنین چیزی نبود؛ الان هم نیست.

متأسفانه بعضی از مطبوعات خود ما هم بی توجه، همین خط را دنبال می کنند! در حالی که امروز مسؤولین کشور و دولت خدمتگزار، احتیاج به فضای آرامی دارند تا بتوانند به مسائل عمده کشور برسند، مسائل اقتصادی را سر و سامانی بدهند و بتوانند مشکلات و گره ها را باز کنند. البته دولتها برای باز کردن گره ها هستند و همه تلاش خودشان را هم می کنند؛ اما این احتیاج به جو آرام و همدلی بین آحاد مردم دارد. بعضی از قلمها نمی توانند آرام بگیرند! حتی گاهی به بهانه حمایت از دولت هم بیشتر فضا را متشنج و جوسازی می کنند! اینها مسائل مهمی است.

تبلیغ دین و تبیین حقایق که وظیفه علما و مبلغین بزرگ اسلام است، امروز شامل همه اینهاست. اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، همین اقتدار و عزتی را که امروز داریم، چند برابر کنیم، ولی اخلاقیهای مردم ما، اخلاقیهای اسلامی نباشد؛ در میان ما گذشت، صبر، حلم و خوش بینی نباشد، اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است. همه اینها مقدمه اخلاق حسنه است - بعثت لاتم مکارم الاخلاق - حکومت اسلامی برای این است که انسانها در این فضا تربیت شوند، اخلاق آنها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیکتر شوند و قصد قربت کنند. سیاست هم قصد قربت لازم دارد. مسائل سیاسی هم قصد قربت لازم دارد. آن که در مسائل سیاسی چیزی می گوید و آن که چیزی می نویسد؛ آن که تحلیل می کند و آن که تصمیم می گیرد، بایستی بتواند قصد قربت کند. قصد قربت چه زمانی است؟ آن وقتی است که مطالعه و بررسی کنید، ببینید رضای خدا در این کار هست؟ اگر رضای خدا را در این کار دیدید، می توانید قصد قربت کنید. پس اول، احراز رضای خدا لازم است. ببینید چقدر خط روشن است و چطور بعضی توجه نمی کنند!

امیدواریم خداوند متعال به شما توفیق دهد که ان شاء الله به برکت این ماه - ماه امام حسین (علیه السلام)، ماه



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

ایثار و شهادت، ماه بروز عالیترین جلوه های اخلاق - بتوانید با مطالب متقن، محکم، متین و مورد نیاز قشرهای مختلف مردم، جامعه و مردم ما را یک قدم به سمت تعالی و تکامل خودشان جلو ببرید و رضای الهی را کسب کنید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته